

شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده بنیاد)

محمدصادق افروزه^۱، حسین زارعیان^۲، بهلول کاظمی کرانی^۳

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه جهرم*

۲. استادیار مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه جهرم

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

چکیده

در دو دهه اخیر، توجه به پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش، مورد تأکید قرار گرفته است که تاکنون از این موضوع در ورزش ایران غفلت شده است؛ از این رو، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش بود. با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی موضوع خشونت علیه کودکان در ورزش، از روش پژوهش کیفی از نوع داده بنیاد و به شیوه گلیزر (۱۹۹۲) استفاده شد. فهرست مقدماتی با استفاده مطالعات اولیه فراهم شد که در ادامه با مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با پایایی توافق درون موضوعی مناسب با ۱۶ از نخبگان، مربیان و کارشناسان آگاه از موضوع پژوهش، داده‌های مورد تأیید جمع آوری شدند. برای روایی مصاحبه‌ها نیز از منابع و تحلیلگران متعدد، داده‌های حداکثری و ثبت آنان بهره گرفته شد. داده‌ها با روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند و نتایج کدگذاری باز به شناسایی ۹۸ نشان در دو حوزه ابعاد و بسترها منجر شد. در حیطه ابعاد، نشان‌ها در هفت مفهوم طبقه‌بندی شدند و در نهایت، در کدگذاری گزینشی، سه مؤلفه خشونت کلامی، بدنی و روانی شناسایی شدند. در حوزه بسترها نیز نه مقوله ناآگاهی، تابو، خرده فرهنگ، ساختار خانواده، ساختار باشگاه، ویژگی‌های شخصیتی عوامل باشگاه، امیال شخصی، یادگیری اجتماعی و موقعیت کودک طبقه‌بندی شدند. در کدگذاری گزینشی، سه مؤلفه زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی شدند. به نظر می‌رسد عوامل تشکیل دهنده‌ای که در بروز پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش ایران نقش ایفا می‌کنند، چهار عنصر فرد، خانواده، جامعه و باشگاه هستند که نقصان در هر عنصر می‌تواند راه را برای خشونت علیه کودک هموار کند. پیشنهاد می‌شود که ابتدا قوانین به صورت شفاف و سختگیرانه تدوین شوند و استانداردها ابلاغ شوند و در این راستا، رسانه و سازمان‌های غیردولتی نیز به آموزش‌های حمایتی و قانونی خانواده‌ها، باشگاه و کودکان همت گمارند.

واژگان کلیدی: خشونت کلامی، خشونت بدنی، ورزش، کودکان.

مقدمه

پدیده خشونت به مثابه یکی از معضلات بزرگ جامعه متمدن امروزی است که با پیشرفت‌های اخیر بشر، تغییر الگوهای زندگی و روابط انسانی به ویژه بسط الگوهای جدید زندگی اجتماعی، مسائل اخلاقی و مشکلات مرتبط به آن نیز اشکال جدیدتری به خود گرفته است (بختیار نصرآبادی، بهردان و بهردان ۱۳۹۰). نظریه‌های مختلفی در حوزه خشونت وجود دارند که به تبع آن، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از دیدگاه جامعه‌شناسان مطرح شده‌اند؛ از جمله خشونت کنشگرانه که گونه‌ای از خشونت آشکار است که کنشگران اجتماعی دستگاه‌های انضباطی و سرکوبگر اعمال می‌کنند و می‌توان آن را در قالب جرم، جنایت، ترور و ناآرامی‌های مدنی مشاهده کرد (پاکمان، ۲۰۰۹). همچنین، نوع دیگری از خشونت که نظام‌مند و قاعده‌مند است، به عنوان خشونت سیستمی اعمال می‌شود، سبب از خودبیگانگی است و عموماً به صورت نامرئی است، از دیگر گونه‌های خشونت کنش‌پذیرانه است که ناشی از خصوصیات هویتی هر فرد در جامعه است و معمولاً ناخواسته روی می‌دهد (ژیژک، ۱۳۹۲). مرتن^۴ (۱۹۷۵) در نظریه موسوم به آنومی^۵ به این رویکرد توجه داشت که چگونه اهداف فرهنگی مطلوب و فرصت‌ها در جامعه، گاهی به کج‌روی‌های اجتماعی از جمله خشونت منجر می‌شوند. در جامعه مباحث دیگری در مورد خشونت یافت می‌شوند که گاهی با واژه «پرخاشگری» قرابت دارند؛ هر چند این واژه‌ها متفاوت هستند (تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱) کما این که نظریه‌هایی مانند نظریه غریزی فروید که قواعد حاکم بر نظام موجودات زنده را در انسان نیز مستول می‌داند پرخاشگری را نمادی از خشونت فردی می‌داند (جیل و زیگلر، ۱۹۹۲)؛ اما شاید مهم‌ترین و مرسوم‌ترین گونه خشونت، خشونت نمادین باشد که ذهن را نشانه می‌گیرد و شامل چهار گونه توجیهی، عاطفی، اخلاقی و زبانی است (بوردیو، ۲۰۰۸) و در بیشتر حوزه‌های جامعه به صورت ملموس مشاهده می‌شود که یکی از این حوزه‌ها به صورت خاص در ورزش است. تعریف سازمان بهداشت جهانی از خشونت، استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت یا تهدید در برابر خود یا شخص دیگر یا علیه یک گروه یا جامعه است که در نتیجه وقوع آن، احتمال ایجاد آسیب روحی و جسمی،

-
1. Violence
 2. Packman
 3. Žižek
 4. Merton
 5. Anomie
 6. Aggression
 7. Hjelle & Ziegler
 8. Bourdieu
 9. WHO

مرگ یا محرومیت وجود دارد (کراگف، دالبرگ، مرسی، زوی و لوزانو، ۲۰۰۲). این در صورتی است که تری و جکسون^۲ (۱۹۸۵) خشونت در ورزش را به عنوان رفتاری خارج از قواعد ورزشی می دانند که ارتباط مستقیمی با اهداف رقابتی ورزش ندارد؛ البته مصداق خشونت در حوزه های کسب و کار، آموزش و ورزش می تواند شامل ابعاد منحصر به فردی شود؛ هر چند اسمیت^۳ (۱۹۸۳) خشونت را متنوع می داند و بین خشونت بدنی، خشونت بینابینی^۴، خشونت شبه جنایی^۵ و خشونت جنایی تفاوت قائل است. به هر حال، با توجه به پژوهش های موجود می توان خشونت را در چند حیطه طبقه بندی کرد که یکی از این طبقه ها، خشونت های جنسی است. معمولاً در بسیاری از موارد سوء استفاده های جنسی انکار می شوند؛ مگر در صورتی که شهادت افراد آن را تأیید کند (فلویری و مک لیلان، ۱۹۹۸). این یک رویکرد رسانه ای است که معمولاً به جای توجه به عوامل، چنین مواردی را تنها به ضعف اخلاقی نسبت می دهند (هارتیل^۶، ۲۰۱۳). بیشتر نظریه های مرتبط با سوء استفاده جنسی، بر پنهان کاری و سوء استفاده از قدرت تکیه دارند (وارد، پولاسک و بیچ^۷، ۲۰۰۶). با وجود همه موارد، سازمان های ورزشی به غیر از افرادی که به طور مستقیم در اتهام ها دخیل هستند، به پاسخ دادن به سوء استفاده از کودک تمایلی ندارند. رسیدن به پذیرش واقعیت سوء استفاده از کودک در ورزش، روندی آهسته و دشوار است؛ اما ایجاد حفاظت از کودکان در واحد ورزشی نشانگر تغییر قابل توجهی در نگرش به ورزش است (بوکوک^۸، ۲۰۰۸)؛ اما در این موضع، تنها سوء استفاده جنسی از کودک مطرح نیست و گاهی سوء استفاده های عاطفی از کودکان نیز به میان می آیند که نوع تهدیدهای مریبان در کودکان یا برد به هر قیمت برای ورزشکاران نخبه، از این نوع است (گریوس و دان^۹، ۲۰۰۴). بریکندریج، برینگر و بی شاپ^{۱۰} (۲۰۰۵) نیز با تأکید به میزان خشونت های عاطفی و روانی، آن را بسیار شایع تر از آزارهای جنسی در حیطه ورزش عنوان کرده اند. آزارهای جنسی نیز به عنوان بخشی از خشونت هستند که در واقع، بعد از حادثه محکومیت پول هیکسون، مربی شنای المپیک بریتانیا، به خاطر آزارهای جنسی در سال ۱۹۹۳، به مرور به آن ها تأکید و توجه شد (بریکندریج، ۲۰۰۱)؛ اما بسترهای رواج و بسط

-
1. Krug, Dahlberg, Mercy, Zwi & Lozano
 2. Terry & Jackson
 3. Smith
 4. Borde Line Violence
 5. Quasi Criminal Violence
 6. Fleury, T., & McLellan
 7. Hartill
 8. Ward, Polaschek & Beech
 9. Boocock
 10. Gervis & Dunn
 11. Brackenridge, Bringer & Bishopp

خشونت‌ها نیز متنوع هستند؛ به‌صورتی که تسلط مربیان در رابطهٔ مربی و ورزشکار ناشی از تجربیات مربی، سن بیشتر مربی و دسترسی وی به منابع و پاداش (تامینوسن و استراچان، ۱۹۹۶)، ظرفیت سوءاستفادهٔ مربیان را افزایش می‌دهند. کروس (۱۹۸۶) معتقد است که یکی از عوامل سوءاستفادهٔ مربیان، استقلال‌نداشتن ورزشکار و کنترل زیاد مربی است. الکساندر، استافورد و لیوز (۲۰۱۱) خشونت‌های زبانی مانند جوک‌های مستهجن و جنسی، تعادل‌نداشتن قدرت ورزشکار کودک و مربی و اعتماد زیاد بین کودک و مربی ورزش را از عوامل آزارهای جنسی در اماکن ورزشی دانسته‌اند. نتایج پژوهش پرن (۲۰۱۱) نشان داد که چندین مشکل مؤثر در افشای سوءاستفادهٔ جنسی در سازمان‌های ورزشی وجود دارند که مهم‌ترین آن، آموزش‌ندیدن مدیران برای رسیدگی به این موارد و همچنین، احساس صلاحیت‌نداشتن خود برای رسیدگی به موارد سوءاستفاده است. برخی از پژوهشگران حیطهٔ وسیع‌تری را بررسی کرده‌اند؛ مانند ورتمن^۵ و همکاران (۲۰۱۶) که سه حیطهٔ خشونت‌های روانی، فیزیکی و جنسی را در ورزشکاران زیر ۱۸ سال بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعهٔ آن‌ها نشان داد که به‌ترتیب ۳۸ درصد، ۱۱ درصد و ۱۸ درصد از ورزشکاران این خشونت‌ها را تجربه کرده‌اند. علاوه‌براین، سوءاستفاده جنسی در ورزش در هر دو جنس مشهود بوده است؛ اما در زنان و دختران درصد بیشتری از سوءاستفاده گزارش شده است. همچنین، سوءاستفاده در ورزشکاران مبتدی نسبت به ورزشکاران نخبه فراگیری بیشتری دارد (لیای، پرتی و تانن‌بام، ۲۰۰۲؛ فاستینگ، براکیندریج و ساندگت-برگین، ۲۰۰۳). این درحالی است که پرن و بانن (۲۰۱۲) اعلام کردند که دو تا شش درصد از قربانیان خشونت جنسی در ورزشکاران را پسران تشکیل می‌دهند. تحقیقات در جامعهٔ ورزشی بریتانیا نشان داده شده که ۷۵ درصد از آسیب‌های عاطفی و ۲۴ درصد از آسیب‌های فیزیکی در ورزشکاران زیر سن ۱۶ گزارش شده‌اند و با این حال، نرخ سقط جنین تنها کمتر از یک درصد بوده است (تیسن، لوکاسین، ون دن دول و ون کالاموس^۶، ۲۰۱۳). همچنین، به عقیدهٔ بلیک‌مور، لسلی هربرت، آرنی و پارکینسون (۲۰۱۷)، با توجه به سوءاستفادهٔ جنسی از کودک در سایر زمینه‌ها، سوءاستفادهٔ جنسی از کودک درون‌سازمانی با تأثیرات متعدد و فراگیر و مرتبط با رفاه

-
1. Thomlinson & Strachan
 2. Crosset
 3. Alexander, Stafford & Lewis
 4. Parent
 5. TineVertommen
 6. Leahy, Pretty & Tenenbaum
 7. Fasting, Brackenridge & Sundgot-Borgen
 8. Parent & Bannon
 9. Tiessen-Raaphorst, Lucassen, van den Dool & van Kalmthout
 10. Blakemore, LeslieHerbert, Arney & Parkinson

روانی، جسمی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی قربانیان بازماندگان ارتباط دارد. پرت و فورتیر (۲۰۱۷) نیز معتقدند با توجه به اذعان پژوهشگران به این مقوله اجتماعی هنوز می‌توان غفلت مدیران در بروز آن را مشهود دانست. استرلینگ و کر (۲۰۰۸) در پژوهش خود روی زنان نخبه ورزشکار به این نتیجه رسیدند که ورزشکاران معمولاً توسط رفتارهای زبانی، رفتارهای فیزیکی و بی‌توجهی یا حمایت‌های ویژه، مورد سوء رفتار عاطفی مریبان قرار گرفته‌اند. رومین، ون کالمتوس، بریدولد و لوکاسن (۲۰۱۳) با بررسی در جامعه ورزشی هلند نشان دادند که ۱۱ درصد از افراد ۱۲ سال به بالا قربانی یا شاهد خشونت‌های کلامی، ۱۲ درصد قربانی برخوردهای فیزیکی و در حدود یک درصد قربانی تجاوز جنسی در ورزش بوده‌اند. رومین و همکاران به شناسایی راهکارهای مبارزه با این معضل نیز پرداخته‌اند. پرت (۲۰۱۱) اقدام‌هایی نظیر آموزش مدیران ورزش، حمایت از اقدام‌های پیشگیرانه و نیز نظارت بر تصمیم‌گیرندگان در مجموعه‌های ورزشی را از اقدام‌های کاهش و مبارزه با سوءاستفاده از کودکان در ورزش عنوان کرد. این راهبردها به ایجاد راهکارهای شفاف برای حمایت از کودکان منجر می‌شوند و طرح شکایت از متخلفان را فراهم می‌کنند. ورزشکاران به‌طور مداوم با خواسته‌های کنترل خود مواجه می‌شوند؛ اما پژوهش‌های قبلی و شواهد تجربی نشان می‌دهند که ورزشکاران همیشه قادر به پاسخ‌گویی به این خواسته‌ها نیستند. براساس مدل قدرت کنترل خود، افراد قدرت کنترل محدودی دارند که پس از خواندن کنترل خود (به‌عنوان مثال، تنظیم توجه) می‌توانند به‌طور موقت از بین بروند. هنگامی که کودکان قدرت کنترل خود را از دست می‌دهد که در حال تمرین‌های شدید هستند؛ و در این زمان کمتر به دنبال رژیم‌های ورزشی خود هستند و تمایل به بدتر شدن دارند (اینگرت، ۲۰۱۷). کاووسان و استرنجر (۲۰۱۷) متغیرهای انگیزشی و اخلاقی را پیش‌بینی‌کننده‌های مهم رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی ورزشکاران می‌دانند و اولویت سالم‌سازی را از عوامل روانی مریبان و ورزشکاران می‌دانند. به‌هرحال، با توجه به محیط‌های ورزشی‌ای که در تمام دنیا وجود دارند و اتفاق‌های این‌چنینی، در ایران نیز گاهی برخی اخبار غیررسمی در مورد سوءاستفاده از کودکان در رشته‌های مختلف به‌خصوص در فوتبال مطرح می‌شوند. پژوهش‌های زیادی درباره خشونت‌های خانگی و زنان انجام شده‌اند؛ اما در حوزه ورزش این پژوهش‌ها حتی در دنیا نیز بسیار انگشت‌شمار هستند (الکساندر و همکاران، ۲۰۱۱). در ایران، این مطالعات در حوزه‌هایی غیر از ورزش مورد توجه بوده‌اند؛ به‌صورتی که چلبی و رسول‌زاده (۱۳۸۱) سه عامل ارزش کودک، نظم در خانواده و تضاد را از عوامل

-
1. Parent & Fortier
 2. Stirling & Kerr
 3. Romijn van Kalmthout, Breedveld & Lucassen
 4. Englert
 5. Kavussanu & Stanger

خشونت در خانواده‌های ایرانی مطرح کردند و نتیجه گرفتند که در صورت ارتقای نظم در خانواده‌ها، به میزان قابل توجهی از میزان خشونت کاسته می‌شود. علاوه بر این، برخی پژوهشگران از جمله فولادی‌راد (۱۳۹۱) در ایران، علاوه بر تأثیر عامل خانواده، تلویزیون را نیز یکی از عوامل مؤثر در توسعه خشونت علیه کودکان و پرخاشگری کودکان نام برده است. از موارد دیگر خشونت در جامعه ایران در مقاله کفاشی (۱۳۸۱) بیان شده است. به عقیده وی، تحصیلات والدین، پایین بودن سطح اقتصادی و وضعیت شغلی والدین تأثیر معناداری بر خشونت علیه کودکان دارند. همچنین، کریمی، محقق کمال، امینی هارونی، احمدی و جرجان شوستری (۱۳۹۴) خشونت علیه کودکان را در ایران بسیار گسترده می‌دانند و حیطه‌هایی مانند کار، سیگار، تنبیه و مراقبت ناکافی را از مهم‌ترین وجهه‌های خشونت علیه کودکان می‌دانند که در بسیاری از استان‌ها با شدت و ضعف وجود دارند. همان‌طور که گفته شد، حیطه‌های گسترده‌ای در حوزه خشونت وجود دارند. توسعه و فراگیر شدن ورزش در کشور، پژوهشگران مطالعه حاضر را بر آن داشته است تا به شناسایی مصادیق و بسترهای بروز این موارد در ورزش کشور مذهبی ایران بپردازند و تاحدامکان راه‌های کاهش و مبارزه با آن را شناسایی کنند. در مفاهیم کودک‌آزاری، آزار جسمی، آزار جنسی، غفلت و بسیاری مفاهیم، اشتراک نظری مشاهده نشد؛ اما در این پژوهش، همه این موارد در قالب خشونت علیه کودکان قلمداد شدند. پژوهشگران مطالعه حاضر معتقدند که شناسایی پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش می‌تواند با هشدار و پیشنهاد به جامعه ورزش و خانواده‌ها، علاوه بر کاهش موارد خشونت، به حسن‌نیت خانواده‌ها نسبت به ورزش و نیز توسعه اخلاقیات، حرفه‌گری باشگاه‌ها و سوق‌دهی بیشتر جامعه به ورزش منجر شود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به مبهم‌بودن پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش، این پژوهش از منظر راهبرد، کیفی است. در این مطالعه، از منظر اجرا، از روش داده بنیاد استفاده شد. پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی، از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهده‌ها و غیره استفاده می‌کند و داده بنیاد شامل سبک‌های متعددی است که در این پژوهش از رهیافت ظاهرشونده مربوط به اثر گلیرز^۲ (۱۹۹۲) در تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. در مرحله اول پژوهش، با مطالعه پیشینه پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، فهرست مقدماتی از مصادیق و بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش شناسایی شد. فهرست مقدماتی به‌عنوان سؤال‌های مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها مدنظر قرار گرفت و سپس، پروتکل مصاحبه تدوین شد. پژوهشگر قبل از انجام مصاحبه با هریک از

-
1. Emergent
 2. Glaser

نخبگان و کارشناسان، راهنمای مصاحبه را برای آن‌ها ارسال کرد. در ادامه، مصاحبه‌های کیفی نیمه-ساختاریافته به وسیله نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند تا مرحله اشباع نظری انجام شدند که در نهایت با ۱۶ نفر مصاحبه شد. مصاحبه‌شوندگان، مدیران باشگاه‌های ورزشی (سه نفر)، مربیان ورزش‌های سطوح پایه (پنج نفر) و ورزشکاران (دو نفر)، جامعه‌شناسان (یک نفر)، حقوقدان (یک نفر)، روان‌شناسان (یک ر) و اعضای هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی (سه نفر)، به‌ویژه افراد آشنا با موضوع پژوهش بودند. در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شوند، مصاحبه‌های انجام‌شده در کمترین زمان ممکن، از زمان انجام مصاحبه به صورت خطبه‌خط تحلیل و کدگذاری شدند. کدگذاری به صورت باز و محوری انجام شد. پس از انجام مصاحبه، تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش زمینه‌محور انجام شد؛ بدین صورت که پس از اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها، نظرهای مختلف در گروه‌های مفهومی یکسان، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند و سپس، به صورت کیفی تحلیل شدند. فرایند تحلیل داده‌ها با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه زمینه‌ای، طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. این سه مرحله مطابق نظریه زمینه‌ای به شکل الف- کدگذاری باز؛ ب- کدگذاری محوری و ج- کدگذاری انتخابی انجام شدند. در نهایت، پس از مرحله مصاحبه و با استناد به تحلیل عوامل به دست آمده، فرایند کدگذاری باز و محوری انجام شده، فرایند کدگذاری انتخابی انجام شد. در هر بخش که شامل مصادیق خشونت و بسترهای بروز آن بود، برای مؤلفه‌بندی از پنج عضو هیئت‌علمی آشنا با مقوله خشونت بهره گرفته شد که نظر خود را برای جاگذاری صحیح نشان‌ها در محورهای موردنظر اعلام کنند. برای تأیید پایایی مصاحبه‌های انجام‌شده نیز از توافق درون‌موضوعی بهره برده شد؛ بدین ترتیب که یکی از اعضای هیئت‌علمی آشنا با کدگذاری به همراه پژوهشگر مطالعه حاضر، دو مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون‌موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد. نتایج در جدول شماره یک گزارش شده است.

$$\text{درصد توافق درون‌موضوعی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding

جدول ۱- محاسبی پایایی درون موضوعی

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقاتها	تعداد عدم توافقاتها	پایایی بین دو کدگذار
۱	F4	۱۸	۸	۲	٪۸۸
۲	C5	۲۰	۸	۴	٪۹۰
۳	F3	۱۷	۷	۳	٪۸۲
	کل	۵۵	۲۳	۹	٪۸۳

همان‌طور که در جدول شماره یک گزارش شد، تعداد کل کدها که توسط پژوهشگر و همکار پژوهش به ثبت رسیده است، برابر با ۵۵، تعداد کل توافقاتها بین این کدها برابر با ۲۳ و تعداد کل عدم توافقاتها بین این کدها برابر با ۹ است. از آنجایی که پایایی بین دو کدگذار ۸۸ درصد است و با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه از پایایی مناسبی برخوردار است. برای روایی مصاحبه‌ها از منابع، تحلیلگران متعدد و داده‌های حداکثری و ثبت آنان بهره گرفته شد.

نتایج

بعد از مصاحبه با صاحب‌نظران و شناسایی کدهای مؤثر در شناسایی مصادیق خشونت در ورزش علیه کودکان، به کدگذاری محوری پرداخته شد که کدهای نامتناسب و غیرمرتبط حذف شدند و در نهایت، ۲۸ نشان شناسایی شدند و نتایج در سه محور خشونت کلامی، بدنی و روحی مطابق با جدول شماره دو گزارش شده است. مؤلفه خشونت کلامی به سه مقوله فحاشی، فریاد و صحبت‌های غیراخلاقی تقسیم شد. مؤلفه خشونت بدنی به دو مقوله خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم شد و خشونت روحی نیز به اجبار و توجه غیرمتعارف طبقه‌بندی گردید.

جدول ۲- شناسایی ابعاد خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان‌ها
خشونت کلامی	فحاشی	مربی و کادر به کودکان فحاشی می‌کنند. هوشدن از طرف تماشاگران برای تحقیر کودک فریادزدن بر سر کودکان در حین مسابقه و درمقابل تماشاگران مربیان و عوامل باشگاه در تمرین‌ها بر سر کودکان فریاد می‌زنند. خطاب‌شدن با اسامی خاص توسط مربیان
	فریادزدن	گفتن طنز یا داستان‌های جنسی برای کودکان در حین تمرین پرسش‌های جنسی از کودکان در مورد خود یا والدین مکالمه‌های طولانی غیرضروری کادر با ورزشکار
خشونت بدنی	فیزیکی	لگدزدن یا مشت‌زدن به کودکان ورزشکار تنبیه بدنی ورزشکار توسط کادر فنی اجبار بازیکن برای بازی با غیرهمسالان اجبار ورزشکار به دست‌دادن با کادر ایجاد رابطه جنسی با ورزشکار توسط کادر باشگاه استفاده از کودکان دارای صورت یا اندام جذاب برای همکاری با مربی برای آموزش
	جنسی	اجبار ورزشکار به برقراری رابطه نامشروع با دیگران لمس‌های بی‌مورد به اندام‌های جنسی ورزشکار نوازش کردن کودکان در حین ورزش یا تمرین لمس‌بدن ورزشکار به قصد لذت
خشونت روحی	اجبار	اجبار ورزشکار به ملاقات در ساعات غیرتمرینی با کادر توقع‌های بالاتر از توانایی جسمی اجبار ورزشکار به برهنه تمرین کردن تهدید ورزشکاران توسط کادر باشگاه به‌کارگیری مربیان ناهمجنس نگاه‌های خاص به کودکان در حین ورزش نشان‌دادن حرکات خاص دست به کودک ایجاد جذابیت جنسی برای ورزشکار توسط کادر باشگاه دیدن بدن ورزشکار در حین تعویض لباس بی‌توجهی به کودکان ورزشکار

سپس، کدها در قالب بسترهای بروز خشونت علیه کودکان در ورزش، محوربندی شدند. با توجه به نزدیکی نتایج به مدل سه‌شاخگی میرزایی اهرنجانی (۱۳۸۴)، مقوله‌ها توسط سه عضو هیات علمی در سه محور تقسیم‌بندی شدند.

جدول ۳- شناسایی بسترهای زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان‌ها
زمینه‌ای	ناآگاهی	ناآگاهی کودکان در مواجهه با هر سه نوع خشونت تشخیص‌ندادن تفاوت توجه و سوءاستفاده توسط غیر از اعضای خانواده ناآگاهی والدین ورزشکار از حقوق کودک ورزشکار خود ناآگاهی از استفاده مناسب از فضای مجازی و افراد مجاز تابوبودن صحبت از مسائل جنسی تابوبودن آموزش مسائل جنسی توسط مدارس، باشگاه یا خانواده
	تابوها	تابوبودن شکایت از تجاوزهای جنسی در امکان ورزشی تابوبودن افشای خشونت توسط کودکان و والدین مذاهب التقاطی و غیرمرسوم کودک
	خرده‌فرهنگ	اعتماد کامل به کادر باشگاه‌های ورزشی توسط والدین استفاده از الگوی ظاهری ورزشکاران غربی وجود فرهنگ فحش در ورزش بالابودن نرخ خشونت در جامعه ورزشی رواج تنبیه کودک برای توسعه مهارت ورزشی ترویج خشونت در رسانه‌های ورزشی

براساس کدگذاری‌ها، جدول شماره سه بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه زمینه‌ای نشان می‌دهد که شامل سه مقوله ناآگاهی، تابو و خرده‌فرهنگ شدند.

جدول ۴- شناسایی بسترهای زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در ورزش

مؤلفه	مقوله	نشان
	ساختار خانواده	سنتی بودن خانواده‌های ایرانی نبود روابط صمیمی اعضای خانواده با یکدیگر وجود والدینی با سطح اجتماعی پایین نبود حمایت‌های قوی والدین سالارگزینی در خانواده حذف خانواده‌محوری و ایجاد بیرون‌محوری نبود امکان طرح مشکلات اعضای خانواده وجود مشاجرات در زندگی خانوادگی کودک وجود طلاق در خانواده کودک نبود مدیران توانمند باشگاهی نوع ورزش و میزان تماس عوامل باشگاه با کودک وضعیت استخدام عوامل باشگاه نبود مشاوران حقوق ورزشی نبود نظارت کافی توسط هیئت‌ها و اداره کل بر آکادمی‌ها نبود سخت‌گیری در تأیید صلاحیت مربیان ارزیابی‌نشدن مربیان توسط کودکان نبود دوربین‌های مداربسته در محوطه‌های باشگاه دسترسی افراد غیرمسئول به کودکان نبود امکان حضور والدین در تمرین‌ها استفاده از مربیان با سابقه آزاد جنسی در کودکی وجود افراد آشنا در کادر گاهی مسئله‌ساز است منطقه جغرافیایی باشگاه یا آکادمی سطح تحصیلات عوامل باشگاه دقیق نبودن فرایند ثبت‌نام و مشخص نبودن وضعیت سرپرست اصلی میزان دسترسی کودک به اطلاعات موردنیاز
ساختاری	ساختار باشگاه	

در ادامه کدگذاری‌ها، جدول شماره چهار بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه ساختاری نشان می‌دهد که شامل ساختار خانواده و باشگاه می‌باشد.

مؤلفه	مقوله	نشان
	ویژگی‌های شخصیتی کادر باشگاه	ارسال پیام‌های غیراخلاقی به کودک قول‌های توجه و بازی بیشتر به بازیکن توسط مربی تفاوت سطح اقتصادی عوامل با کودکان توانایی سوءاستفاده از قدرت توسط عوامل باشگاه اختلال در سلامت جنسی کادر باشگاه پایین‌بودن سلامت ذهنی عوامل باشگاه متأهل‌بودن یا مجردبودن عوامل پدربودن یا مادربودن عوامل نداشتن رضایت از شغل کادر و عوامل باشگاه خویش‌دارنبودن اخلاقی عوامل کمبود اخلاق حرفه‌ای در باشگاه‌ها و آکادمی‌ها میزان سن و سال عوامل و مربیان در تماس با باشگاه روش‌های مهارت و سبک رهبری مربیان اعتیاد عوامل باشگاه به موادمخدر یا مشروبات الکلی داشتن تجربه خشونت در کودکی در عوامل باشگاه
	امیال شخصی	لذت‌بردن کودک از لمس بدن وی ترس ورزشکار از مربیان تمایل شدید کودکان به حضور در مسابقات تمایل ورزشکار به جلب توجه وجود تجربه‌های جنسی در بین کودکان عزت‌نفس نداشتن ورزشکاران تمایلات همجنس‌گرایانه در کودک
رفتاری	یادگیری اجتماعی	یادگیری از همسالان و ایجاد حس تجربه‌کردن مشاهده تندخویی و پرخاشگری داغ‌ننگ برخی از کودکان
	موقعیت کودک	وجود مشکلات حضانت و بدسرپرستی وضعیت بومی‌بودن و مهاجربودن کودک وجود معلولیت در کودک مدت زمان حضور کودک در باشگاه میزان آشنایی کودک با عوامل باشگاه

همچنین، در ادامه کدگذاری‌ها، جدول شماره پنج بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش را در مؤلفه رفتاری نشان می‌دهد که شامل دو مقوله ویژگی‌های شخصیتی کادر باشگاه و امیال شخصی و موقعیت کودک و یادگیری اجتماعی می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی و شناسایی پدیده خشونت علیه کودکان در ورزش ایران پرداخته شد. این پژوهش که حاصل روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با افراد موثق است، نشان داد که خشونت در ورزش می‌تواند به سه صورت کلامی، بدنی و روحی باشد که دو مؤلفه بدنی و روانی با نتایج پژوهش ورتمن و همکاران (۲۰۱۶) هم‌خوانی داشتند.

مؤلفه خشونت کلامی به سه مقوله فحاشی، فریاد و صحبت‌های غیراخلاقی به‌صورت محوری کدبندی شد که با نتایج مطالعات استرلینگ و کر (۲۰۰۸) و رومین و همکاران (۲۰۱۳) هم‌خوانی داشت. این پژوهشگران تجربه‌های زیادی را از این نوع خشونت (زبانی/ کلامی) در جوامع محلی ورزشی خود گزارش داده‌اند. در کدبندی محوری، خشونت روحی نیز شامل اجبار و توجه غیرمتمعارف بود که در واقع بیشترین اتفاق نظر پژوهشگران روی این مؤلفه خشونت بوده است که پژوهشگرانی از جمله گریوس و دان (۲۰۰۴)، استرلینگ و کر (۲۰۰۸)، رومین و همکاران (۲۰۱۳) و ورتمن و همکاران (۲۰۱۶) نیز آن را تأیید کرده‌اند. احمدی و زنگنه (۱۳۸۳) خشونت روحی و کلامی را در ایران بیش از خشونت بدنی گزارش کرده‌اند که این موضوع می‌تواند اهمیت آن را تأیید کند. علاوه‌براین، بلالی و حسنی (۱۳۸۸) توجه به این دو نوع خشونت را برعکس خشونت جسمی، تأخیر در آشکارشدن صدمه‌های آن می‌دانند که می‌تواند در آینده افراد مؤثر باشد. شاید یکی از دلایل بروز این پدیده خشونت کلامی در جامعه ورزش، ساختار خانواده‌های سنتی ایران باشد که پدرسالاری در آن‌ها وجود داشته است و این به‌منزله تأیید وجود پرخاشگری به‌عنوان پدیده‌ای زیست‌شناختی و طبیعی است که در طول تاریخ زمینه‌ساز و تداوم‌بخش فرهنگ پدرسالاری^۱ یا پدرسالاری شده است (گیدنز، ۱۳۸۶). همه این خشونت‌ها ناشی از بسترهایی هستند که در ادامه در مورد آن‌ها بیشتر بحث می‌شود. همچنین، مؤلفه خشونت بدنی به دو مقوله خشونت فیزیکی و خشونت جنسی تقسیم شد. بهروزی، فرزادی و فرامرزی (۱۳۹۵) تأکید کردند که در دوره‌های اخیر، معمولاً خشونت فیزیکی روند کاهشی داشته است؛ ولی این خشونت می‌تواند بر میزان پرخاشگری کودکان اثری مستقیم داشته باشد؛ البته باید گفت که خشونت کلامی در مرحله اول چرخه خشونت است و خشونت جنسی و بدنی در چرخه دوم است که هرکدام دارای ابعاد گوناگونی است. مطابق نظریه آنومی مرتن و برخلاف نظر دورکیم^۲ در بیشتر موارد، این خشونت در طبقه‌های ضعیف اجتماعی بارز است؛ زیرا، فرصت‌های رسیدن به اهداف برای همه مردم یکسان نیست؛ بنابراین، طبقه پایین جامعه بیشتر به سمت کج‌روی‌هایی مانند خشونت

1. Patriarchal
2. Giddens
3. Durkheim

از جمله کلامی، بدنی و جنسی کشیده می‌شود (نایینی، مؤیدی‌فر، سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش، در سه حوزه زمین‌های، ساختاری و رفتاری تأیید شدند. بسترهای خشونت علیه کودکان در ورزش، در مؤلفه زمین‌های شامل سه مقوله ناآگاهی، تابو و فرهنگ ورزش است. به ادعان بسیاری از پژوهشگران از جمله بلیک‌مور و همکاران (۲۰۱۷)، آگاهی و آموزش می‌تواند تأثیر بسزایی بر کاهش خشونت علیه کودکان داشته باشد. سهراب‌زاده و راوندی (۱۳۹۶) آموزش در مدرسه و فرایندهای جامعه‌پذیری را و پرنه (۲۰۱۱) آموزش مدیران ورزشی را از ارکان افزایش آگاهی ذکر نموده‌اند. افزایش آگاهی جز از طریق آموزش میسر نیست که این فرایند نیز می‌تواند از سه طریق خانواده، جامعه و باشگاه ورزشی انجام شود؛ اما لازم است نوع آموزش‌ها نیز مدنظر باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که آموزش‌ها در چند حیطه از جمله آموزش حقوقی به والدین از طریق جامعه، آموزش مقابله با خشونت علیه کودکان از طریق خانواده و جامعه و درنهایت، آموزش مدیریت فضای مجازی در اختیار کودکان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها ارائه شود. همچنین، در برخی موارد، این خشونت‌ها ناشی از تلقی فرد از خود است که از طریق جامعه با شخصی قوی‌تر، باهوش‌تر یا ثروتمندتر به وی القا شده است که این مورد به نظریه برچسب‌زنی مشهور است و معمولاً در محیط‌های ورزشی می‌تواند فرصت بروز داشته باشد؛ زیرا، در این مکان‌ها، برخی افراد مهارت و قدرت بیشتری دارند و این امکان برای آن‌ها وجود دارد که به زیردستان یا بازیکن‌های ضعیف برچسب‌های خارج از اخلاق بزنند که این خود زمینه بروز خشونت جمعی را برای آن‌ها آسان می‌کند. مقوله بعدی شناسایی شده در مؤلفه زمین‌های، فرهنگ رایج و تابوهای موجود در جامعه است که می‌تواند به رشد خشونت علیه کودکان دامن بزند. باید گفت جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند. رحیمی شاد (۱۳۹۵) به دو عامل فرهنگی مؤثر در ایجاد خشونت؛ یعنی «خرده‌فرهنگ خشونت» و «بحران هویت» در جامعه اشاره کرده است که در فرهنگ عمومی، بیش از صلح و گفت‌وگو و اندیشه‌ورزی، جنگاوری برجسته شده است و در ادبیات فارسی و بیش از سایر متون به حماسه رستم و سهراب پرداخته شده است. دشنام‌دادن، استفاده از واژگان تحقیرآمیز و به‌کارگیری اسامی حیوانات در مخاطب قراردادن کسانی که از آن‌ها رنجیده‌ایم و دلخور هستیم، حتی برای اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و دانش‌آموزان در فرهنگ بسیاری از ایرانیان بسیار پرکاربرد و غیرقبیح است؛ بنابراین، می‌توان برخی از خشونت‌های رایج در ورزش علیه کودکان از جمله خشونت کلامی را محصول خرده‌فرهنگ‌های رایج جامعه بدانیم که اصلاح این خرده‌فرهنگ‌ها با انتقال تدریجی از پارادایم سنتی به پارادایم جدید و با آموزش‌های صحیح در آینده میسر می‌شود. گیدنز (۱۳۸۷) معتقد است که خشونت بخشی از یک فرهنگ است که دربردارنده

1. Labeling Perspectives

جنگ‌ها، قتل‌ها و جنایت‌های خشونت‌باری است که میزان آن‌ها در مقایسه با سایر جوامع بیشتر است. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که تابوی آموزش و مهم‌تر از آن، آشکار کردن و افشای خشونت‌ها به ویژه تجاوزهای جنسی علیه کودکان معمولاً به بستری برای توسعه آن بدل شده است؛ همان‌طور که فلوری و مک‌کلند (۱۹۹۸) و وارد و همکاران (۲۰۰۶) نیز پنهان‌کاری این نوع خشونت‌ها را تأیید کرده‌اند. باید گفت که رسانه‌ها به‌مثابه صدای جامعه گاهی از مسیر خود خارج می‌شوند و به‌جای پراختن به تحلیل خشونت‌های جنسی در جامعه، پیش‌فرض ضعف اخلاقی را مرتب تکرار کرده‌اند (هارتیل، ۲۰۱۳).

مؤلفه بعدی، ساختار بود که شامل دو مقوله ساختار خانواده و باشگاه شناسایی بود. خشونت در ورزش آموختنی است؛ زیرا، هنگامی که افرادی مانند مربی و ورزشکار به دیدن و مشاهده خشونت در محیط خود عادت دارند، گرفتار پویایی‌های تنش‌زا یا نومیدکننده وضعیت خاص اجتماعی می‌شوند که آنان را به سوی شکل‌های افراطی‌تر خشونت سوق می‌دهد و امکان بروز خشونت شبه‌جنایی و حتی جنایی بین آنان را افزایش می‌دهد (رحمتی، ۱۳۹۰)؛ بدین ترتیب، در محیط‌های ورزشی، این رویکردها به تدریج به درونی‌شدن عمیق خشونت به‌عنوان بخشی از شخصیت مربیان و ورزشکاران منجر می‌شوند و رفتار خشونت‌آمیز را در هنگام رویارویی با تضاد و وضعیت‌ها یا کنش‌های متقابلی که نامناسب و تهدیدکننده هستند، به‌مثابه شیوه‌ای قابل‌قبول، طبیعی و بهنجار بروز می‌دهند (کاکلی، ۱۹۹۸). جامعه‌پذیری خشونت ابتدا از خانواده شکل می‌گیرد و سپس، با نظام آموزشی، رسانه‌ها و گروه‌های همسالان بسط می‌یابد (مکتوبیان، قاسمی و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۴). ساختار خانواده‌های ایرانی که نشئت‌گرفته از جامعه و فرهنگ آن است، مقدمات رشد بسیاری از خشونت‌های را فراهم می‌کند. گاهی خشونت در خانواده‌ها شروع می‌شود و به جامعه نیز منتقل می‌گردد و گاهی پایه خشونت و پذیرش آن در جامعه و افراد بیرون از خانواده بنیان نهاده می‌شود. چلبی و رسول‌زاده (۱۳۸۱) با تأکید بر نظریه بوم‌شناختی خشونت به تأثیر چندجانبه خشونت اشاره کرده‌اند و ساختار خانواده را یکی از ابعاد آن دانسته‌اند که تأییدی بر نتایج پژوهش حاضر است. بنابر نظریه چرخه خشونت می‌توان گفت که خشونت آموخته‌شده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تازمانی که عوامل ترمیمی نظیر حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی وارد عمل نشوند، این چرخه معیوب ادامه می‌یابد و اولین منبع این یادگیری، خانواده و ساختار آن است که می‌تواند ظرفیت بازتولید و قبول آن را در سطح جامعه مهیا کند. روش‌های کاهش پرخاشگری و خشونت در خانواده‌ها، اصلاح روابط و دوری از سالارگزینی، ایجاد و تقید به اعتقادات و ارزش‌های صحیح مذهبی و توسعه محبت به‌عنوان کانون گرم و امن برای کودک، می‌توانند در ساختارسازی کنشگری خانواده برای مبارزه با خشونت علیه کودک در خارج از

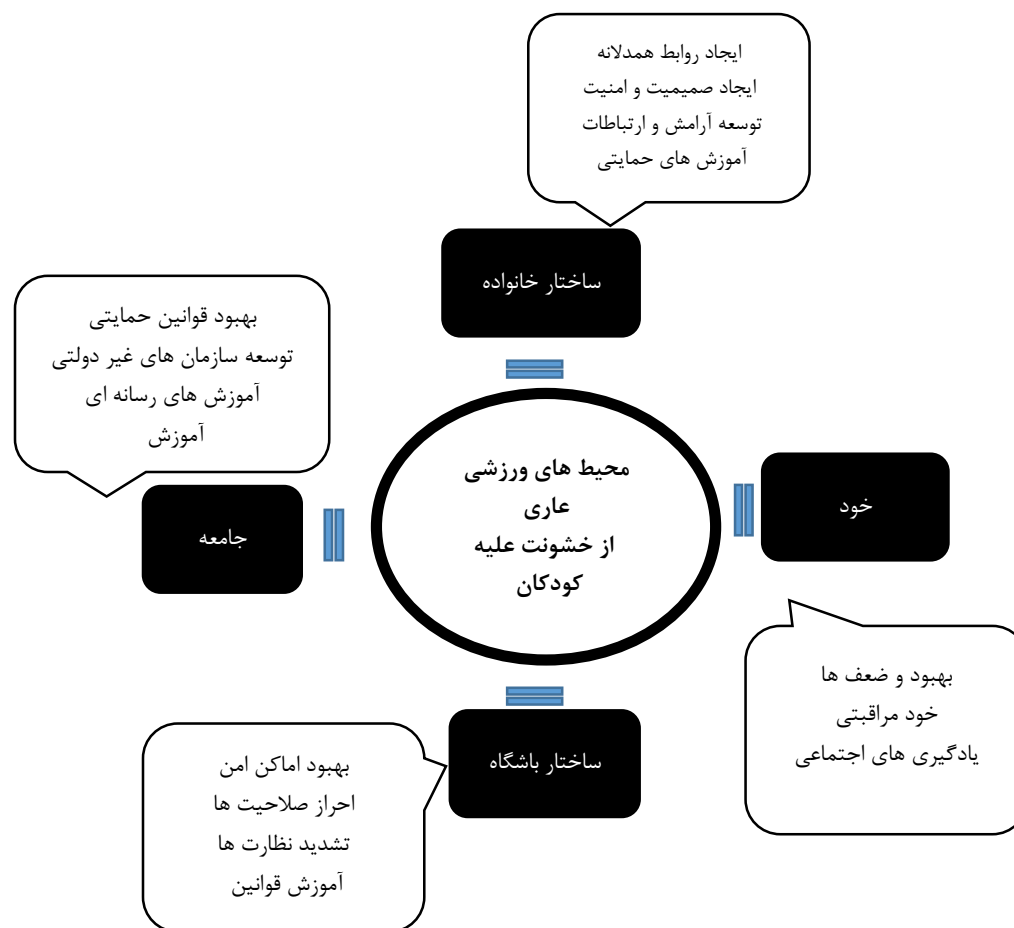
خانه مفید باشند. یکی دیگر از مقوله‌های مؤلفه ساختار، ساختار باشگاه شناسایی شد. معمولاً کمتر پژوهشگری ساختارهای فیزیکی را از عوامل خشونت‌ها تلقی کرده است که از آن جمله می‌توان به سالم‌سازی‌های محیطی و روانی اشاره کرد که کاووسان و استرنجر (۲۰۱۷) بر آن تأکید کرده‌اند؛ اما باید به این نکته اذعان کرد که در استانداردهایی که در ورزش بریتانیا برای مبارزه با خشونت علیه کودکان در ورزش تدوین شده‌اند، بر موارد فیزیکی باشگاه به صورت مستقیم تأکید شده است؛ از آن جمله، نظارت بر باشگاه‌ها برای مرحله‌بندی رسیدگی به شکایت‌های مرتبط با خشونت است که جزو استانداردهای چندگانه است. همچنین، یکی از مهم‌ترین عوامل در ساختار باشگاه تأیید صلاحیت مربیان پایه، داوطلبان و هر کسی است که با کودکان در ارتباط است؛ خواه در حوزه نظافت، خواه در حوزه حمل‌ونقل و خواهد در حوزه آموزش باشد (حمایت از کودکان در واحد ورزشی؛ ۲۰۰۳) که در ایران کمتر بر آن تأکید می‌شود. این در صورتی است که در بریتانیا بررسی نداشتن سوءپیشینه برای کار در رده پایه، اساسی‌ترین و مهم‌ترین بخش کار در چنین رده‌ای است. با بررسی همه‌جانبه تمامی زوایای زندگی شخصی مربی موردنظر و در صورت نداشتن هیچ‌گونه سوابق کیفری، اجازه کار در چنین رده‌ای برای او صادر می‌شود. دوره‌های موردنظر و نیز نداشتن سوءپیشینه هر سه سال یکبار تمدید می‌شود و مربیان نه تنها باید یک‌بار دیگر در چنین دوره‌هایی شرکت کنند، بلکه به نداشتن سوءپیشینه جدید نیز نیاز دارند (تقوی، ۲۰۱۶). علاوه بر این، بهزادفر (۱۳۹۰) رابطه ویژگی‌های جمعیت شناختی با آزارهای جنسی را معنادار دانست که خود می‌تواند منبع الهامی برای مدیران باشگاه برای مدیریت خشونت علیه کودکان در ورزش دانست. تامینوسن و استراچان (۱۹۹۶) نیز توجه مدیران را به میزان سن و تجربه مربیان ورزشی معطوف کرده‌اند. علاوه بر این، آموزش مدیران (پرنت، ۲۰۱۱) و اقدام‌های پیشگیرانه مانند نصب دوربین‌های مداربسته، تأیید صلاحیت‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و عوامل باشگاه و والدین توسط باشگاه، ایجاد قوانین سخت‌گیرانه و دوری از پنهان‌کاری می‌توانند به کاهش مجراهای بروز خشونت کمک کنند.

آخرین مؤلفه شناسایی شده، مؤلفه رفتاری بود که شامل چهار مقوله ویژگی‌های شخصیتی، امیال شخصی، موقعیت اجتماعی و یادگیری اجتماعی بود. اگر ویژگی‌های شخصیتی را به صورت اکتسابی در نظر بگیریم، آن‌ها را به خصوصیات رفتاری عوامل می‌توان مربوط دانست که بسیاری از آن‌ها در حوزه تأیید صلاحیت‌ها می‌توانند قرار بگیرند؛ اما مهم‌ترین نشان و کدی که هم پژوهشگران شناسایی کردند و هم در این مقاله شناسایی شد، میزان قدرت مربیان یکی از عوامل است که یکی از مؤثرترین مجراهای خشونت می‌تواند باشد؛ البته باید میزان قدرت مربیان با روابط صمیمی و وابستگی کودک

به مربی را نیز در نظر گرفت؛ همان‌طور که سنس و بریکندریج^۱ (۲۰۰۱) نیز به آن اذعان کرده‌اند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که روابط مربی و کودک ورزشکار در حد حرفه‌ای بماند که بتواند از وابستگی یا دیکتاتوری که هر دو مفردی برای خشونت هستند، جلوگیری شود. عوامل فردی خود حیطه متنوعی دارد که لنهارت^۲ (۲۰۰۴) ویژگی‌ها و امیال شخصی را در بروز خشونت‌ها مؤثر دانست و آن را جزو طیف عوامل فردی در انواع بروز خشونت قرار داد و مکتوبیان و همکاران (۱۳۹۴) نیز به تأثیر ویژگی‌های شخصی و فردی اذعان کردند. طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۳ (۱۹۶۳)، رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش که به آن «یادگیری ابزار» گفته می‌شود یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران که به آن «مدل‌سازی» گویند؛ بنابراین، کودکان از هر طریق می‌آموزند که رفتارهای همسالان خود را تحلیل یا مدل‌سازی کنند. اگر افرادی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، درازای خشونت پاداش دریافت کنند، این امر حتی می‌تواند به درونی‌شدن خشونت در آن‌ها بینجامد. بورديو (۱۳۸۷) معتقد است که جهان ساخته مفاهیم اجتماعی و تاریخی است و در همین برساختگی است که سلسله‌مراتب پدید می‌آیند و به بازتولید خشومتی که به‌گونه‌ای نمادین اعمال می‌شود، منجر می‌شوند؛ بنابراین، اگر جهان و به‌طور خاص، جوامع برساخته هستند، می‌توانند به‌گونه‌ای دیگر بازسازی شوند؛ از این‌رو، مقاومت در برابر سلطه و خشونت نمادین تنها در قالب دگراندیشی امکان‌پذیر خواهد بود. علاوه‌براین، کودکان در طی فعالیت‌های ورزشی گاه دچار رخوت و سستی می‌شوند و کنترل قدرت خود را از دست می‌دهند که به عقیده اینگرت (۲۰۱۷)، از دست‌دادن کنترل می‌تواند بروز خشونت علیه کودک را فراهم کند. همچنین، عزت‌نفس کم از عوامل شناسایی‌شده بروز خشونت بود که بریکندریج (۲۰۰۱) نیز به آن اشاره کرده است. می‌توان به توسعه ویژگی‌های شخصیتی کودک در رشد وی توجه کرد که مجموعه زیادی از عوامل مانند شکست‌ها و موفقیت‌ها، حلقه‌های ارتباطی با همسالان و جامعه، بازی‌ها و روابط همدلی در خانواده، همگی در رشد عزت‌نفس کودکان تأثیرگذارند. موقعیت‌های سرپرستی و وضعیت‌های جسمانی کودک در صورت فراهم‌نبودن ابزارهای نظارتی بر باشگاه ورزشی، همگی می‌توانند منابع خشونت علیه وی باشند. این سازمان‌دهنده‌های اجتماعی و نابرابری‌های سازمان‌یافته مانند پناهنده‌ها و مهاجران، نابرابری‌های طبقاتی، قومی و نژادی می‌توانند ابزار برای خشونت باشند (تانگ،^۴ ۱۳۸۷). احتمالاً خرده‌فرهنگ ملی‌گرای و بومی‌گزینی هنوز در ارزش‌های ایرانیان وجود دارد و نوعی غریبه‌ستیزی، افراد را به خشونت علیه آنان سوق می‌دهد. پیشنهاد می‌شود از خطاب قراردادن کودکان با نام، نژاد و قومیت

-
1. Cense & Brackenridge
 2. Lenhart
 3. Bandura
 4. Tang

آن‌ها اجتناب شود و از جداکردن آنان درحین تمرین یا مسابقه جلوگیری شود. به‌هرحال، با توجه به انواع خشونت و بسترهای بروز آن می‌توان پیشنهاد داد که چهار نوع فیلتر در چهار حوزه مکانی در نظر گرفته شوند که می‌توان از آن به‌عنوان 4s یاد کرد که شامل ساختار خانواده، ساختار باشگاه، خود و جامعه هستند که هرکدام از این منظرها باید فیلترهای حمایتی و ارتقادهنده مفرها و بسترهای خشونت علیه کودکان را محدود کنند. براساس نتایج می‌توان مدل زیر را برای شناسایی و ایجاد فیلتر 4s ارائه کرد.



شکل ۱- مدل 4s فیلتر خشونت علیه کودکان در ورزش

1. Structure of Family, Structure of Club, Society, Self

همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود، تمام فیلترها برای به‌وجود آمدن محیط ورزشی ایمن برای کودکان باید هر چهار حوزه را در نظر داشته باشد و تنها در صورتی این امر میسر خواهد بود که هر چهار حوزه با یک رویکرد واحد و البته بومی به وظایف حمایتی خود عمل کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، وظایف خانواده، جامعه، باشگاه و خود فرد می‌تواند به‌صورت کلی شامل موارد زیر باشد که هر کدام از وظایف با توجه به محیط، میزان ظرفیت‌های فرد و ورزش و باشگاه، متنوع‌تر و یا محدودتر اعمال شود.

به‌طور کلی، ابعاد و مجازات خشونت علیه کودکان در کشور حتی فاقد قوانین منحصربه‌فردی است و در این پژوهش، ابعاد آن در ورزش در سه منظر خشونت کلامی، بدنی و روانی و نیز بسترهای آن در سه حوزه زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری شناسایی شد.

منابع

1. Ahmadi, H., & Zanganeh, M. (2004) Sociological study of the factors affecting the violence of husbands against women in the family. *Journal of the Sociological Association of Iran*, 3, 172-187. (Persian).
2. Alexander, K., Stafford, A., & Lewis, R. (2011). *The experiences of children participating in organized sport in the UK*. Edinburgh: Dunedin Academic Press.
3. Bakhtiyar Nasrabadi, H. A., Behradan, M. S., & Behradan, H. R. (2011). The relation between critical rationality and ethics of society. *Strategic Quarterly*, 59, 139-166.
4. Bandura, Albert (1963). *Social learning and personality development*. New York: Holt, Rinehart, and Winston
5. Behroozi, N., Farzadi, F., & Faramarzi, H. (2016). The relationship of physical and emotional violence with managing anger and aggressive behaviors of children with oppositional disorder with mediating relationship between parent-child and empathy. *Quarterly Journal of Mental Health of the Child*, 3(3), 43-58. (Persian).
6. Behzadfar, F. (2011) *Investigating individual and social factors on the incidence of sexual abuse among women working in Tehran*. (Unpublished master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran. (Persian).
7. Belali Meybodi, F., & Hasani, M. (2009) Frequency of violence against women by their spouses in Kerman city. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 15(3), 300-307. (Persian).
8. Blakemore, T., LeslieHerbert, J., Arney, F., & Parkinson, S. (2017). The impacts of institutional child sexual abuse: A rapid review of the evidence. *Child Abuse & Neglect*, 74, 35-48.
9. Boocock, S. (2008). The child protection in sport unit. *Journal of Sexual Aggression*, 8(2), 99-106.
10. Bourdieu, P. (2008). About television and the dominance of journalism. (N. Fakouhi, translator). Tehran: Eshyn Publication. (Persian).
11. Brackenridge, C. (2001). *Spoilsports: Understanding and preventing sexual exploitation in sport*. London: Routledge.

12. Brackenridge, C., Bringer, J., & Bishopp, D. (2005). Managing cases of abuse in sport. *Child Abuse Review*, 14, 259-274.
13. Cense, M., & Brackenridge, C. (2001). Temporal and developmental risk factors for sexual harassment and abuse in sport. *European Physical Education Review*, 7(1), 61-79.
14. Chalabi, M., & Rasoulzadeh Aghdam, S. (2002). The effects of family order and conflict on violence against children. *Sociology*, 4(2), 26-54. (Persian).
15. Child Protection in Sport Unit. (2003). Standards for safeguarding and protecting children in sport. Child Protection in Sport Unit: Leicester. Available at: file:///C:/Users/hamshahry/Downloads/english-standards.pdf (Accessed 14 July 2018)
16. Coakley Jay J. (1998)"Sport in Society: Issues and Controversies" Boston.New York McGraw-Hill Inc.
17. Crosset, T. (1986). Male coach female athlete relationships. Paper presented at the Norwegian Confederation of Sport Conference on Coaching Female Top-Level Athletes. Sole, Norway.
18. Englert, C. (2017). Ego depletion in sports: Highlighting the importance of self-control strength for high-level sport performance. *Current Opinion in Psychology*, 16, 1-5.
19. Fasting, K., Brackenridge, C., & Sundgot-Borgen, J. (2003). Experiences of sexual harassment and abuse among Norwegian elite female athletes and non-athletes. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 74(1), 84-97.
20. Fleury, T., & McLellan, K. (2009). *Playing with fire*. Chicago, IL: Triumph.
21. Fooladi, F. (2012). The study of the relationship between television violence and real violence among children. *Media Studies*, 7(18), 113-125.
22. Gervis, M., & Dunn, N. (2004). The emotional abuse of elite child athletes by their coaches. *Child Abuse Review*, 13, 215-223.
23. Giddens, A. (2008). *Sociology*. (M. Sabouri, translator). Tehran: Publication of Ney. (Persian).
24. Hartill, M. (2013). Concealment of child Sexual abuse in sport. *Quest*, 65(2), 241-254.
25. Hjelle, L. A., & Ziegler, D. J. (1992). *Personality theories: Basic assumptions, research, and applications*. New York : McGraw-Hill.
26. Kaffashi, M. (2010). The effect of the order and conflict in the family on violence against children. *Social Research*, 3(6), 75-108.
27. Karimi, S., Mohagheghi Kamal, S. H., Ghayed Amini Harouni, G., Ahmadi, S., & Jorgjara Shoshtari, Z. (2015). Ecological study of violence against children in Iran: A cluster analysis. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 25(130), 87-99. (Persian).
28. Kavussanu, M., & Stanger, N. (2017). Moral behavior in sport. *Current Opinion in Psychology*, 16, 185-192.
29. Krug, E. G., Dahlberg, L. L., Mercy, J. A., Zwi, A. B., & Lozano, R. (2002). World report on violence and health. World Health Organization. Available at: http://apps.who.int/iris/bitstream/10665/42495/1/9241545615_eng.pdf (Accessed 11 March 2018).

30. Leahy, T., Pretty, G., & Tenenbaum, G. (2002). Prevalence of sexual abuse in organised competitive sport in Australia. *Journal of Sexual Aggression*, 8(2), 16–36.
31. Lenhart, Sh. A. (2004). *Clinical aspects of sexual harassment and gender discrimination: Psychological consequences and treatment interventions*. New York: Routledge.
32. Maktoobian, M., Ghasemi, V., & Hashemianfar, S. A. (2015) Expression of data model foundation on the sociological survey of sexual abuse and women's insecurity in hospital. *A Survey on Social Issues in Iran*, 6(1), 151-192. (Persian).
33. Mirzaei Ahrenjani, H., & Sarlak, M. (1997). A moment of organizational epistemology: The evolution, schools and management applications. *Peak Noor Quarterly*, 3(3), 69-78. (Persian).
34. Nayini, H., Moeed Far, S., Seraj Zadeh, H., & Feizi, A. (2015). Anomy Durkim & Merton's Theory: Similarities, differences and methods of measurement. *Quarterly Journal of Social Welfare*, 17(66), 9-52. (Persian).
35. Packman, C. (2009). Towards a violent absolute: Some reflections on Žižekian theology and violence. *International Journal of Zizek Studies*, 3(1), 1-11.
36. Parent, S. (2011). Disclosure of sexual abuse in sport organizations: A case study. *Journal of Child Sexual Abuse*, 20(3), 322-337.
37. Parent, S., & Bannon, J. (2012). Sexual abuse in sport: What about boys? *Children and Youth Services Review*, 34, 354–359.
38. Parent, S., & Fortier, K. (2017). Prevalence of interpersonal violence against athletes in the sport context. *Current Opinion in Psychology*, 16, 165-169.
39. Rahimi Shad, A. (2016). The impact of culture on violence, fanoos analytical news. Available at: <http://www.fanoosedu.ir/?p=1847> (Accessed 3 November). 2018 (Persian).
40. Romijn, D., van Kalmthout, J., Breedveld, K., & Lucassen, J. (2013) VSK-monitor 2013. Voortgangsrapportage Actieplan Naar een veiliger sportklimaat. Utrecht. <https://www.tweedekamer.nl> (Accessed 5 november 2018)
41. Smith, M. D. (1983). What is sports violence? A sociological perspective. In J. H. Goldstein (Ed.), *Sports Violence* (pp.33–45). New York: Springer-Verlag.
42. Sohrabzadeh, M., & Mansourian Ravandi, F. (2017). The experience of women's living from verbal violence in the family. *Woman in Culture and Arts*, 9(2), 245-264. (Persian).
43. Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2008). Defining and categorizing emotional abuse in sport. *European Journal of Sport Science*, 8(4), 173-181.
44. Taghavi, M. (2016). The strategies of the football federation of England to counter the sexual abuse of children. Available at: <http://www.bbc.com/persian/sport-38116510> (Accessed 15 May 2017). (Persian).
45. Tang, R (2008). *Review and review: An introduction to feminist theories*. (M. Najm Iraqi, translator). Tehran: Ney Publication. (Persian).
46. Thomlinson, P., & Strachan, D. (1996). *Power and ethics in coaching*. National Coaching Certification Program. Ottawa: Coaching Association of Canada
47. Tiessen-Raaphorst, A., Lucassen, J., van den Dool, R., & van Kalmthout, J. (2008). *Weinig over de schreef. Een onderzoek naar onwenselijk gedrag in de breedtesport*, [tps://www.scp.nl](https://www.scp.nl) (Accessed vember 2018)

48. Vertommen, T., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Kampen, J., Brackenridge, C. H., Rhind, D. J. A., ..., & Eede, F. A. D. (2016). Interpersonal violence against children in sport in the Netherlands and Belgium. *Child Abuse & Neglect*, 51, 223-236.
49. Ward, T., Polaschek, D. L. L., & Beech, A. R. (2006). *Theories of sexual offending*. Chichester, England: John Wiley & Sons.
50. Žižek, S. (2013) *Violence of the five look under the eye*. (A. R. Pak Nohad, translator, 4th Ed.). Tehran: Publication of Ney.

استناد به مقاله

افروزه، محمدصادق، زارعیان، حسین، کاظمی کرانی، بهلول. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل ابعاد خشونت علیه کودکان در حوزه ورزش (رهیافت مبتنی بر نظریه داده بنیاد). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶): ۳۴-۲۱۳.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5963.1479

Afrozeh, M. S., Zarean, H., Kazemi Korani, B. (2019). Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach). *Research on Educational Sport*, 7(16): 213-34. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2018.5963.1479

Identification and Analysis the Dimensions of Violence against Children in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach)

M. S. Afroozeh¹, H. Zarean², B. Kazemi Korani³

1. Assistant Professor of Sport Management, Jahrom University*
2. Assistant Professor of Sport Management, Sport Sciences Research Institute
3. M.Sc Student of Jahrom University

Received: 2018/06/10

Accepted: 2018/09/12

Abstract

In the last two decades, attention has been paid to the phenomenon of violence against children in sport, which has so far been neglected in Iranian sport. Therefore, the purpose of this study was to identification and analysis the dimensions of violence against children in the field of sport. Considering the qualitative and exploratory nature of the violence against children in sport, the method of qualitative research was applied to the grounded theory and Glaser method (1992). The preliminary list was provided using preliminary studies. Subsequently, semi-structured interviews with appropriate intercoder reliability were gathered with 16 of the elite, coaches and experts aware of the subject of the research. For the validity of the interviews from multiple sources and analyzes, and maximum data with recorded were used. The data were then analyzed by three-step, open, axial, and selective coding. Open coding results led to identifying 98 cods in two dimensions and substrates. In the area of violence against the child 7 concepts and finally, in the selective coding, three components of verbal, physical and psychological violence were identified. In the context of the basics, 9 concepts consist Unawareness, taboo, subculture, family structure, club structure, personality characteristics of the club factors, personal desires, social learning and child position were classified and in the selective coding of the three contextual, structural and behavioral components were identified. It seems that the factors contributing to the phenomenon of violence against children in Iran's sport include the four elements of the self, structure of family, society and structure of club, and the deficiency in each element can pave the way for violence against the child. It is suggested that rules and regulations be formulated in a transparent and rigorous manner, and in this regard, media and non-governmental organizations will also be empowered to support the legal education of families, clubs and children.

Keywords: Verbal Violence, Physical Violence, Sports, Children

* Corresponding Author

Email: sadegh.afroozeh@jahromu.ac.ir